

مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی در این قبیل موارد مبتنی بر تقصیر آنها نبوده بلکه استوار بر برك مسئولیت قانونی است و گفته اند همانطور که شخص حقوقی از اعمال موآلد ثروت مدیران خود استفاده مینماید باید مسئول زبانی باشد که از طرف آنان با افراد وارد می آید. اشخاصی که در معرض جرم واقع میشوند ممکن است هم شخص طبیعی باشند و هم شخص حقوقی، منافع مادی یا معنوی این اشخاص ممکن است مورد دستبرد واقع شود در این صورت باید بآنها حق داد که مجرمین را تعقیب نمایند، غیر از انسان برای سایر موجودات حقی قائل نشده اند تا در موقع وقوع جرم نسبت بآنان بتوان بزهکاران را تعقیب نمود و اگر بعضی از قوانین بد رفتاری با حیوانات را جرم تلقی کرده اند در صورتی میتوان مرتکب را تعقیب نمود که بد رفتاری در مرئی و منظر عمومی واقع شود.

تقسیم بندی جرائم

جرائم را از لحاظ شدت و ضعف و اخلاقیات و مادیت و موضوعیت و وسعت به تقسیماتی چند تقسیم نموده اند.

تقسیم جرائم از لحاظ طبق ماده ۷ قانون مجازات عمومی جرائم از حیث شدت و خفت مجازاتها، بچهار نوع تقسیم شده اند:

شدت و خفت
 ۱ - جنایت ۲ - جنحه مهم ۳ - جنحه کوچک (تفسیر)
 ۴ - خلاف

مجازات جنایت طبق ماده ۸ از قرار زیر است بم انسانی

اول. اعدام - دوم. حبس ابد با اعمال شاقه. سوم. حبس موقت با اعمال شاقه. چهارم. حبس مجرد پنجم. تبعید. ششم. محرومیت از حقوق اجتماعی. مجازات جنحه مهم طبق ماده ۹ از قرار زیر است ..

اول. حبس نادیمی بیش از یکماه. دوم. اقامت اجباری در نقطه - یا نقاط معینی یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معینی سوم. محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی - چهارم. غرامت در صورتیکه مجازات اصلی باشد.

مجازات جنحه کوچک طبق ماده ۱۰ از قرار زیر است :

اول حبس تأدیبی بیش از يك هفته تا يكماه . دوم - غرامت از پنج تومان و يك قران الی پنجاه تومان .

مجازات خلاف طبق ماده ۱۱ از قرار زیر است :

اول حبس تکدیری از ۲۴ ساعت تا يك هفته دوم غرامت تا پنج تومان .
این تقسیم بندی که تا اندازه ای اقتباس از قانون مجازات فرانسه شده . مورد انتقاد واقع گشته است چه :

اولاً این تقسیم تعریفی از ذات نوع جرم که مشخص مفهوم حقیقی آن باشد نمیکند با این تعریف طبع قضائی جنایت و جنحه و خلاف از یکدیگر متمایز نگشته و فقط فهمیده میشود که مجازات جنایت شدیدتر از جنحه و مجازات جنحه ، شدیدتر از خلاف است .

ثانیاً چون طبع قضائی خلاف با طبع قضائی جنایت و جنحه متفاوت است طبق اصول تقسیم بندی نباید در ردیف آنها قرار گیرد از این جهت معتقدند که تقسیم دو گانه جرائم که روی عوامل اخلاقی یعنی قصد و نیت سوء استوار گشته و بعضی ملل جدید آنرا اختیار نموده اند (مثل ایتالیا) بهتر است زیرا در این تقسیم جرائم را دو قسمت نموده اند اول جنحه که اعم از جنحه و جنایت بوده و قصد و نیت سوء یکی از عوامل متشکله بزه تلقی می شود ، دوم خلاف که نیت سوء در آن شرط نیست و از

نظر انضباطی ، جرم تلقی شده است . *انسانی و مطالبات فرهنگی*
طرفداران دسته اول در قبال انتقادات معروضه جواب داده اند که اولاً تقسیم بندی جرائم از لحاظ شدت و ضعف مجازات آنها از جهت آن است که مقنن خواسته نظر خود را نسبت به شدت و خفت جرائم یعنی درجه و اندازه ای که با انتظامات عمومی خلل وارد می آید معین نماید بنابراین جرائمی که در نظر مقنن در درجه اول اهمیت بوده و مصالح جامعه را بیشتر جریحه دار می کنند جنایت است و در درجه دوم جنحه و درجه سوم خلاف .

از طرفی ادعای طرفداران تقسیم دو گانه که مدعی هستند با این تقسیم طبع قضائی و مفهوم واقعی جرائم معین می شود کاملاً مقرون با واقع نیست زیرا بعضی وقت لفظ خلاف ، اطلاق بجرمی شده که واجد همان طبع قضائی جنحه بوده